

الگویابی خرد جمعی در سطح نظری و ارائه یک مدل تحلیلی-تلفیقی برای آن^{۱*}

مریم رضایی*

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۱/۱۵، تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۰۵/۱۵)

چکیده

هدف اصلی این مقاله الگویابی نظری برای خرد جمعی و تلفیق نظریه‌های مختلف در چارچوبی تحلیلی و منسجم است. خرد جمعی مفهومی محوری و ایده‌ای نسبتاً نو است که با وجود نظریه‌های منفرد و متعدد و مفهوم پردازی‌های متفاوت در رشته‌هایی نظیر علوم سیاسی، روانشناسی، اقتصاد و فلسفه و نظایر آن‌ها و به‌رغم آن‌که جنس آن اجتماعی است، اما جامعه‌شناسان کمتر به آن پرداخته‌اند و به‌بررسی شرایط و روند تحقق آن و نیز پیامدهای آن در زندگی اجتماعی توجه چندانی نشان نداده‌اند. علاوه بر این، خرد جمعی هم تابع علل گوناگونی است و هم کم‌وکیف آن پیامدهای خاصی را برای دیگر پدیده‌های جامعه در بر خواهد داشت. لذا این مقاله با تأسی از تفکر سیستمی درصدد ارائه صورت‌بندی جامعی از مفهوم خرد جمعی با نگاه جامعه‌شناسانه و ارائه الگویی تلفیقی و چارچوبی ترکیبی برای تبیین آن در جامعه است. چنین تحلیلی منجر به در نظر گرفتن خرد جمعی به‌صورت مفهومی پویا شده و برآیی و تقویت آن را در جامعه تبیین می‌کند. این چارچوب قابلیت شناسایی عوامل و سازوکارهای علی موثر بر خرد جمعی در حوزه‌های چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را داشته و خواص این حوزه‌ها را در ارتباط با هم در تقویت خرد جمعی تبیین می‌کند.

<http://dx.doi.org/10.22034/jsi.2022.113167.1422>

* مقاله علمی: پژوهشی

^۱ این مقاله اقتباسی از رساله دکتری نویسنده در دانشگاه شهید بهشتی با راهنمایی دکتر مسعود چلبی می‌باشد.

* دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی-گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

M.rezaei2006@yahoo.com

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیست و سوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱، ص ۵۳-۲۵

مفاهیم اصلی: خردجمعی، تنوع شناختی، الگویابی نظری، مدل تلفیقی.

مقدمه و بیان مسأله

مسأله مورد مطالعه این پژوهش ربط وثیقی با یکی از مسائل اساسی جامعه‌شناسی یعنی مسأله نظم دارد. با توجه به این که «جامعه شبکه Π ام از شبکه‌های روابط اجتماعی است، در سطح خرد دو عنصر اساسی فرد و تعامل دست‌اندرکارند و از ترکیب این دو نوع عنصر «ما» به وجود می‌آید. هم‌چنان که از سطح خرد دور می‌شویم شبکه‌هایی با مراتب مختلف از افراد یا گروه‌ها و تعاملات آن‌ها مطرح می‌شوند و به تعداد «ماها» در سطح خرد، نظم‌های اجتماعی ریز نیز وجود دارد. لکن در سطح کلان، جامعه کل احتیاج به نظمی فراگیر دارد به طوری که بتواند دربرگیرنده نظم‌های متعدد در سطح خرد نیز باشد. بدیهی است با تشدید فرایند تفکیک و به‌دنبال آن تکثیر گروه‌بندی‌های اجتماعی و «ماهای» مختلف، اهمیت مسائل اجتماعی در سطح کلان نیز افزایش می‌یابد» (چلبی، ۱۳۹۴: ۲۲). مسائلی که در جامعه معاصر، به‌رغم برنامه‌ریزی‌های مختلف با درجات و سطوح بی‌سابقه‌ای از پیچیدگی و وابستگی متقابل، کم‌وبیش به قوت خود باقی مانده‌اند. در چنین وضعیتی «باید به صورت عمیق و در مقیاس بی‌سابقه‌ای راه‌های همکاری با یک‌دیگر را بیابیم. در غیر این صورت، اگر نتوانیم راه‌های مشروع پیوستن به یک‌دیگر، همکاری و درک یک‌دیگر را پیدا کنیم، برای عدم کارایی و نابه‌سامانی‌هایی که به نظر می‌رسد در اطراف ما در حال رشد هستند، نخواهیم توانست راه‌حل‌هایی مناسب را بیابیم، چه رسد به مسائل بزرگی که ما را به مثابه یک ملت احاطه کرده‌اند... این همکاری مستلزم درک خرد جمعی^۱ است» (بریسکین، ۲۰۰۹: ۴).

ایده خرد جمعی را می‌توان در سیاست‌های ارسطو با طرح "چند سر بهتر از یک سر" است، ردیابی کرد. در دهه اخیر نیز، ایده خرد جمعی در تصویری کاملاً متنوع در ادبیات ظاهر شده است، به‌ویژه ادبیات موجود درباره هوشمندی جمعی^۲، همکاری‌های چندجانبه، "ما" هوشمندانه‌تر از "من" و... که قبلاً در حوزه بازار، اقتصاد و سیاست انجام شده این دیدگاه را گسترش داده است که در دنیای پیچیده امروز، راه‌حل‌های هوشمندانه نسبت به این که توسط چند کارشناس در بالا تولید شوند، بیشتر از پایین به‌بالا در میان گروه‌های شکل گرفته مردمی ظاهر می‌شوند؛ همچنین جدید و نو بودن ایده خرد جمعی را می‌توان در اهمیت مفاهیم شبکه و پیوندها، به‌ویژه پیوندهای ضعیف دریافت که تاکید دارند امروزه انقلاب تکنولوژیکی مبتنی بر اینترنت سال‌های گذشته، واقعیت امور و

^۱ .collective

^۲ .collective intelligence

تعاملات انسانی را تغییر داده است و اطلاعات به سرعت در میان افراد متنوع و حتی با دیدگاه‌های متضاد توزیع و منتقل می‌شود و در یک حوزه مشخص متمرکز نمی‌شوند (لندمور، ۲۰۱۲: ۴).

به‌رغم این‌که جنس خرد جمعی، اجتماعی است، اما جامعه‌شناسان کمتر به بررسی تجربی خرد جمعی، شرایط و روند تحقق آن در جامعه پرداخته‌اند. علاوه بر این، خرد جمعی هم تابع علل گوناگونی است و هم کم و کیف آن پیامدهای خاصی را برای دیگر پدیده‌های جامعه و اعضای آن در بر خواهد داشت. این مساله زمانی نمود بیشتری خواهد یافت که با توجه به تعریف بریسکین (۲۰۰۹) از خرد جمعی یعنی «دانش و بینش حاصل از تعامل گروه»، عنصر برهمکنش و رابطه اجتماعی در ایده خرد جمعی در نظر گرفته شود. «جامعه‌ای که نوعی تفکیک اجتماعی را از سر گذرانده است، با مجموعه کثیری از گروه‌های کوچک و بزرگ با مرزهای فرهنگی و هویت‌های متفاوت مواجه است، در چنین وضعیتی دو نوع تعامل اساسی در میدان‌های تعاملی (شبکه‌های تعاملی) جامعه قابل تصور است که نباید از آن غافل شد: تعاملات درون‌گروهی و تعاملات برون‌گروهی. نکته مهم آن‌که شکل، محتوی و میزان و شدت تعاملات درون‌گروهی و برون‌گروهی نیز خود به‌طور هم‌زمان منشأ اختلال و نظم هستند» (چلبی، ۱۳۹۵: ۲۶).

این تعاملات را می‌توان در حوزه‌های چهارگانه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه و در کل در جامعه به‌مثابه یک سیستم و نظام پیچیده پیگیری کرد که مجموعه کثیری از این گروه‌های کوچک و بزرگ با هویت‌ها و شناخت‌های متفاوت را در بر می‌گیرند. جامعه پیچیده امروزی با بسیاری از مسایل پیچیده مواجه است و در چنین شرایطی که مسائل نو و پیچیده اجتماعی متأثر از «تحولات پرشتاب جهان جدید»، «ورود به جامعه شبکه‌ای» و «درهم فشردگی زمان و مکان» هستند، همچنین از آنجایی که جامعه امروزی متشکل از افرادی است که متفاوت می‌اندیشند و می‌توانند برای موضوعات و مسائل مختلف دیدگاه‌ها و راه‌حل‌های متفاوت داشته باشند، می‌توان از ظرفیت شناختی متنوع افراد جامعه به‌طور مطلوب استفاده کرد. چنین مشارکتی که توأم با استفاده از ظرفیت‌های مختلف و دیدگاه‌های متنوع افراد جامعه و «وحدت در کثرت» باشد، قطعاً اثربخشی بالاتر و عملکرد مطلوب‌تری به‌دنبال خواهد داشت. ایده خرد جمعی سازوکار مناسبی برای دستیابی به چنین هدفی است. لذا از آن‌جایی که خرد جمعی تحت تاثیر عواملی علی در بسترهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، در پژوهش حاضر به‌دنبال الگویابی خرد جمعی در سطح نظری و جرح و تعدیل آن در حوزه‌های چهارگانه جامعه خواهیم بود و ضمن جرح و تعدیل الگوهای نظری تئوری‌های مختلف، با ارائه یک چارچوب تلفیقی و چند وجهی که هسته اصلی آن متکی بر چگونگی سهم هر کدام از حوزه‌های چهارگانه اجتماعی و به‌طور هم‌زمان چگونگی روابط متقابل آن‌ها در تقویت خرد جمعی است، مکانیسم‌های برآیی و تقویت خرد جمعی در جامعه بررسی می‌گردد. بر این اساس در پژوهش حاضر

به‌دنبال پاسخگویی به این سوالات اساسی خواهیم بود: چه الگوهایی از شرایط تحقق و تقویت خرد جمعی را می‌توان در تئوری‌های مختلف شناسایی کرد؟ از طریق نقد اثباتی تئوری‌های موجود و تلفیق آن‌ها، چه الگویی از خرد جمعی را می‌توان استخراج نمود؟

هر کدام از چهار حوزه اصلی جامعه یعنی اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع چگونه می‌توانند در تحقق و تقویت خرد جمعی در جامعه سهمی ایفا کنند؟ به‌سخن دیگر خواص و خصوصیات حوزه‌های چهارگانه اجتماعی در تقویت خرد جمعی در جامعه کدامند؟ و به‌طور همزمان روابط متقابل هر حوزه با سایر حوزه‌ها در تقویت خرد جمعی چگونه است؟ و سازوکارهای اصلی آن کدامند؟

مفاهیم و دیدگاه‌ها

برای استفاده از مفهوم "خرد جمعی" از طرفی باید بین مفهوم خرد و مفاهیم هوشمندی^۱، عقلانیت^۲ و عقل^۳ و از طرف دیگر درباره صفت "جمعی" در مفهوم خرد جمعی به‌خصوص در ارتباط با مفاهیم رقیبی مانند خرد توده‌ها^۴، هوشمندی جمعی و اطلاعات توزیع شده تمایز قائل شد (لندمور، ۲۰۱۲: ۷).

خرد و هوشمندی: هوشمندی عبارت است از: توانایی یادگیری یا درک یا برخورد با موقعیت‌های جدید، امکان استفاده از دانش برای دستکاری در محیط؛ خرد عبارت است از: دانش، بینش و قضاوت. هوشمندی استخراج اطلاعات و درک و مواجهه با چالش‌های جدید است. خرد، توانایی به‌کارگیری دانش در عمل و توانایی پاسخ‌گویی و برآوردن نیازها در هماهنگی با محیط، درک اخلاق و اصول اخلاقی است (زو و جان، ۲۰۰۷: ۲۱۲). زنجیره خرد جمعی را می‌توان از دو جنبه مشاهده کرد: از فردی تا جمعی و از هوشمندی تا خرد.



شکل شماره (۱) زنجیره خرد جمعی

^۱. intelligence

^۲. rationality

^۳. reason

^۴. wisdom of the crowds

منبع: جان و زو، ۲۰۰۷:۲۱۱

اگرچه مهارت‌های مختلف زبانی، منطقی، حسی و... از استقلال برخوردارند اما همه ما توان و مهارت هوشمندی‌هایی را با درجات مختلف (هوشمندی‌های چندگانه فردی) داریم. هنگامی که اعضای یک تیم با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، هوشمندی مشارکتی ایجاد می‌شود. مفهوم هوشمندی جمعی نیز به این معناست که گروهی از انسان‌ها می‌توانند وظیفه‌ای را انجام دهند که گویی این گروه، خود ارگانیزم منسجم هوشمندی هستند که به‌جای مجموعه‌ای از عوامل مستقل، با یک ذهن کار می‌کنند. نهایتاً خرد جمعی ظرفیت جامعه و گروه‌های درون جامعه برای همکاری فکری در خلاقیت و نوآوری جهت حل مسائل به‌صورت مؤثر است که مانند یک کل منسجم عمل می‌کند و عملکرد آن از اجزاء آن بالاتر است (همان، ۲۰۱۲).

خرد و عقلانیت: مفهوم خرد، مستلزم تعهد به این دیدگاه است که در مورد تصمیمات اتخاذ شده چیزی وجود دارد که اساساً درست یا غلط و حتی احتمالاً "حقیقت" است. در واقع، این نکته بر قضاوت درباره اخلاق محتوا دلالت می‌کند. در مقابل، عقلانیت اغلب در زمینه‌هایی استفاده می‌شود که در آن همبستگی و درستی یا صحت صوری، به‌جای درستی یا حقیقت (اخلاقی) اهمیت دارد (لندمور، ۲۰۱۲: ۷). از نظر رونی و مک‌کنا نیز خرد، فرایند عقلانی را با اخلاق ترکیب می‌کند تا روشی متعادل و یکپارچه برای شناخت، تصمیم‌گیری و عمل در یک محیط پیچیده فراهم کند. خرد به‌دانش نیاز دارد، اما لزوماً انباشت بزرگی از آن نیست، بلکه به‌شدت وابسته به اخلاق، قضاوت، خلاقیت و سایر شکل‌های متعالی تعقل و فهم بشری است (رونی و مک‌کنا، ۲۰۰۷: ۱۳۲). یاس و بر نسبت به‌نظم در جوامع معاصر با ایده عقلانیت در همین نکته نهفته است. «در واقع وبر بیم آن داشت که با گسترش سریع بروکراسی و عقل ابزاری، با عقلی شدن همه چیز در جامعه، نظم در جوامع معاصر خصلت قفس آهنین به‌خود گیرد» (چلبی، ۱۳۹۴: ۳۴).

خرد و عقل: بنا بر استدلال لندمور، عقل^۱ مفهوم گسترده‌ای است که به‌قوه ذهنی و استعداد عمومی اشاره دارد که از طریق آن انسان‌ها انتخاب‌هایی دارند و تصمیماتی می‌گیرند که می‌تواند عقلایی^۲، هوشمندانه یا خردمندانه باشد. عقل همچنین به‌مفاهیم متعددی مانند مفهوم اخلاقی خودمختاری، مفهوم شناختی هوشمندی و مفهوم تجربی خرد اشاره دارد (لندمور، ۲۰۱۳: ۲۲). به این ترتیب، علاوه بر توجه به‌تمایز بین خرد و مفاهیم هوشمندی و عقلانیت و عقل، نباید از صفت "جمعی" در ایده خرد جمعی نیز غافل بود که به‌معنای ظاهرشدن پدیده‌ای است که نمی‌تواند به‌راحتی در ذهن افراد ردیابی شود، بلکه به‌برهمکنش بین آن‌ها و ذهن‌شان اشاره می‌کند.

^۱. reason

^۲. reasonable

خرد جمعی یک پدیده جدید ظهور پیدا کرده است^۱ و فقط مختص به گروه است نه تقویت خرد افراد (لندمور، ۲۰۱۲: ۸).

تئوری‌ها و دیدگاه‌های صاحب‌نظران: الگویابی خرد جمعی

در شرح تئوری‌ها و دیدگاه‌های نظری کو تئوری خرد جمعی را از دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف توضیح دهیم. در این راستا به تئوری‌ها و دیدگاه‌های نظری پرداخته می‌شود که هر کدام از جنبه‌ای خاص به‌عواملی اشاره کرده‌اند که منجر به وقوع و تقویت خرد جمعی در جامعه می‌شوند. از آنجایی که خاستگاه و پایه‌های اصلی خرد جمعی را سه دیدگاه نظری قضیه هیأت داوری کندورسه، تجمیع و مدل پیچ و هونگ می‌دانند، ابتدا با قضیه هیأت داوری کندورسه شروع کرده و در ادامه تلاش می‌شود با ارائه و استخراج مدل تحلیلی تئوری‌ها و دیدگاه‌های نظری مربوط به صاحب‌نظران دیگر جمع‌بندی ابتدایی صورت گرفته و با این گام اساسی، مسیر ابتدایی در جهت الگویابی نظری تحقیق هموار گردد و در نهایت از طریق نقد اثباتی تئوری‌ها و دیدگاه‌های ارائه شده، الگوی تلفیقی خرد جمعی استخراج می‌شود.

قضیه هیأت داوری کندورسه

قضیه هیأت داوری کندورسه، در طول دهه‌های گذشته، در علوم اجتماعی جایگاهی مرکزی در مفاهیم دموکراسی معرفتی و مباحث مربوط به معرفت‌شناسی اجتماعی به‌دست آورده و در شکل کلاسیک خود مبتنی بر این قاعده است که اکثریت یک گروه، احتمالاً بیشتر از فرد فرد آن گروه، بین دو گزینه، گزینه درست را انتخاب می‌کنند و مبتنی بر چند مفروض اساسی است: استقلال رأی دهندگان، صلاحیت و شایستگی رأی دهندگان و این که تصمیم‌گیری بین دو گزینه صورت می‌گیرد. بنام در آسیب‌شناسی بالقوه تصمیم‌گیری جمعی، سواری رایگان اطلاعاتی را شناسایی کرده است. بنا بر استدلال وی، با پیروی از کندورسه ممکن است بخواهیم که مجمعی تا آنجا که ممکن است اعضای بیشتری داشته باشد. اما در یک مجمع بزرگ، انگیزه اعضا برای جمع‌آوری اطلاعات بیشتر، کاهش می‌یابد (لندمور، ۲۰۱۲: ۴۰۱).

^۱. emergent

آشکار شدن محدودیت‌های صورت کلاسیک قضیه، نظریه‌پردازان مختلفی در صدد ایجاد اصلاح و یا توجیه مفروضات آن برآمدند و از آنجایی که قضیه هیأت داوران کندورسه اصولاً در پی توجیه درگیر شدن افراد بیشتر در فرایند تصمیم‌گیری بود، ایده مناسبی برای اندیشه دموکراسی محسوب می‌شد، اما با توجه به ایرادهای وارد بر آن نه تنها در صورت قضیه تجدیدنظر شد، بلکه در اندیشه دموکراسی نیز بازنگری صورت گرفت. بر این اساس اهلیت معرفتی دموکراسی مورد توجه و تأکید قرار گرفت. چنین برداشتی از دموکراسی بر این ایده استوار است که سیاستگذاری و تصمیم‌گیری‌های سیاسی می‌باید بر مبنای خرد جمعی و نه صرفاً بر پایه حق رأی عمومی مورد نظر دموکراسی رویه‌ای بنا شود.

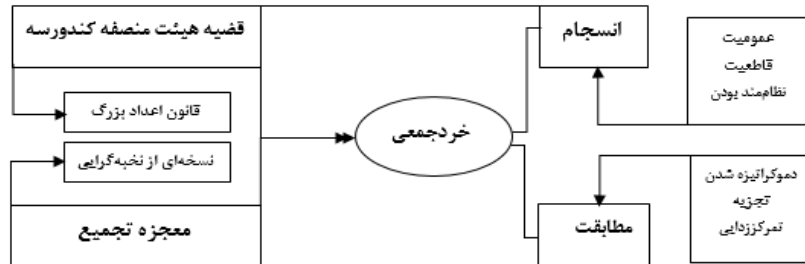
معجزه تجمیع

"معجزه تجمیع" یک توضیح آماری دیگر است که هر چند وابسته به قانون اعداد بزرگ است، اما متمایز از قضیه هیأت داوران کندورسه است. تثبیت شده‌ترین نسخه "معجزه تجمیع" هوشمندی جمعی را به‌عنوان پدیده‌ای آماری توضیح می‌دهد که طی آن، چنانچه پاسخ‌های افراد ناآگاه به‌طور تصادفی در اطراف پاسخ درست توزیع شود و بنابراین یک‌دیگر را لغو کنند، تنها چند نفر آگاه در یک گروه برای هدایت گروه به پاسخ صحیح کافی است. در این نسخه نخبه‌گرا، اطلاعات جمع‌آوری شده در واقع بستگی به استخراج اطلاعاتی دارد که توسط نخبگان آگاه در اختیار دیگران گذاشته می‌شود (لندمور، ۲۰۱۲: ۱۱).

از نظر کریستین لیست (۲۰۰۸) برای شناسایی شرایطی که خرد جمعی را تقویت یا تضعیف می‌کند می‌باید دو نظریه هیأت منصفه کندورسه و نظریه تجمیع قضاوت‌ها را با هم تلفیق نمود، چرا که مانند بسیاری از دوگانه‌های افراطی مقابل هم، واقعیت در حد وسط آن‌ها نهفته است. لیست در مورد دو بعد از خرد بحث کرده است: خرد به‌مثابه مطابقت^۱ و خرد به‌مثابه انسجام. لیست برای پاسخ‌گویی به این سوال که یک گروه تحت چه شرایطی می‌تواند در مورد هر یک از این ابعاد به خرد جمعی برسد قضیه‌ای مربوط به عدم امکان را مورد بحث قرار داده که به‌موجب آن می‌توان فضای منطقی رویه‌های تجمیع را به‌گونه‌ای مشخص نمود که قضاوت‌های جمعی منسجم را تضمین کند. او پیشنهاد می‌کند که برای یافتن یک رویه تجمیع که قضاوت‌های جمعی منسجمی را ایجاد کند، لازم است یکی از این سه شرط عمومیت، قاطعیت و سیستماتیک بودن را داشته باشیم. جهت دستیابی به قضاوت‌های جمعی که با واقعیت‌ها مطابقت داشته باشند نیز سه اصل مطرح شده در یک روند تجمیع را شناسایی کرده است که می‌توانند خرد جمعی را تقویت کنند: دموکراتیزه شدن،

^۱. correspondence

تجزیه و تمرکززدایی. از نظر او کاربرد و میزان هر یک از آن‌ها نیز به‌گروه و وظیفه شناخت مورد نظر بستگی دارد و ممکن است روش جمع‌آوری به "یک اندازه متناسب در تمام زمینه‌ها" وجود نداشته باشد که برای همه گروه‌ها و همه وظایف‌های شناختی بهترین باشد. اما احتمال وجود هر یک از این مزایا، خرد جمعی را تقویت می‌کند (لیست، ۲۰۰۸: ۲۷).



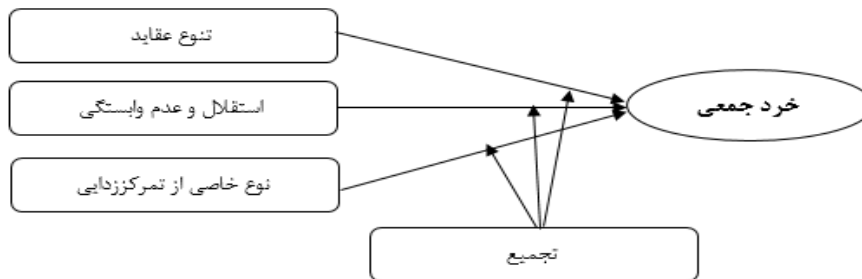
مدل شماره (۱) خرد جمعی از دیدگاه لیست

مدل سوروکی

سوروکی (۲۰۰۴) در کتاب خود با عنوان "خرد توده‌ها"^۱ بر این باور است که چهار شرط لازم جمع‌های خردمند را مشخص می‌کند: تنوع عقاید، استقلال و عدم وابستگی، تمرکززدایی و سازوکار تجمیع. اهمیت تنوع از این جهت است که در واقع چشم‌اندازهایی را اضافه می‌کند که در غیر این صورت وجود نخواهد داشت و برخی از ویژگی‌های مخرب تصمیم‌گیری گروهی را از بین می‌برد یا حداقل آن‌ها را تضعیف می‌کند (سوروکی، ۲۰۰۴: ۲۹). وی تجمیع را به‌عنوان سازوکاری برای تبدیل قضاوت‌ها و داروی‌های شخصی به یک تصمیم جمعی مطرح کرده است و اهمیت استقلال و عدم وابستگی را برای تصمیم‌گیری هوشمندانه به دو دلیل مطرح نموده است: اول این‌که، باعث می‌شود اشتباهات و خطاهایی که مردم مرتکب می‌شوند از همبستگی برخوردار نباشند و دوم این‌که افراد مستقل به‌جای همان داده‌های قدیمی که همه از قبل با آن‌ها آشنا هستند، احتمالاً اطلاعات جدیدی نیز دارند (همان، ۴۱). به این ترتیب در الگویابی نظری پژوهش حاضر، یکی از الگوهای نظری می‌تواند مدل سوروکی باشد که در مدل شماره (۲) نمایش داده می‌شود.

^۱. The wisdom of crowds

لندمور در نقد دیدگاه سوروکی بیان داشته‌اند «سوروکی در کتاب خرد توده‌ها، قطعاً تنوع را به‌عنوان یک عامل اصلی ذکر می‌کند اما منطق تولید حقیقت از همزیستی و برخورد دیدگاه‌های متناقض را به‌اندازه کافی روشن نمی‌کند» (لندمور، ۲۰۱۲: ۵).



مدل شماره (۲) شروط لازم تحقق خرد جمعی از دیدگاه سوروکی

مدل پیچ و هونگ

یکی دیگر از مهمترین الگوهای نظری خرد جمعی را می‌توان در دیدگاه پیچ و هونگ (۲۰۰۷) ردیابی کرد. کار پیچ و هونگ، راهی جالب برای کشف پازل چرایی اهمیت تنوع دیدگاه‌ها برای کیفیت نتایج جمعی گشوده است. با نگاه دقیق به پایه و اساس خرد جمعی، می‌توان دید که آن‌ها تنها بر نوع خاصی از تنوع، یعنی "تنوع شناختی" تأکید می‌کنند. این نوع تنوع اساساً در نحوه برخورد با اطلاعات و ایجاد استدلال‌ها اغلب به دیدگاه‌های مختلفی تبدیل می‌شود که قابل تقلیل به آن‌ها نیست. پیچ و هونگ در توضیح ماهیت خرد جمعی بر دو اصل اساسی هوشمندی فردی و تنوع شناختی و ضرورت هر دو اصل برای تحقق خرد جمعی تأکید می‌کنند. از نظر آن‌ها اگر یکی از این دو اصل مختل شود، خرد جمعی از کار می‌افتد (پیچ و هونگ، ۲۰۰۸: ۱).

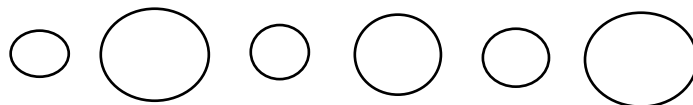
پیچ با طرح این سوال که آیا تنوع بر توانایی غلبه دارد و آیا این منطق دلالت بر این دارد که باید شایسته‌سالاری را رها کنیم؟ بر این باور است که توانایی خاصیت یک فرد است و تنوع مربوط به یک مجموعه از افراد است. بنابراین تنوع و توانایی مکمل یکدیگرند. چارچوب اصلی تنوع شناختی نیز از نظر پیچ عبارت است از: دیدگاه‌های متنوع؛ شیوه‌های بیان و ارائه موقعیت‌ها و مسائل؛ اکتشافات متنوع؛ راه‌های تولید راه‌حل برای مسائل؛ تفاسیر متنوع؛ روش‌های طبقه‌بندی یا تقسیم‌بندی دیدگاه‌ها؛ مدل‌های پیش‌بینی‌کننده متنوع؛ راه‌های استنباط علت و معلول (پیچ، ۲۰۰۷: ۷). بنا بر اذعان وی، در بحث مربوط به تنوع و تأثیرات آن، ترجیح‌ها نیز نقش محوری دارد و این

تأثیر قوی و گسترده ترجیح‌ها حاکی از محوریت آن در هر بحثی درباره تنوع و تأثیرات آن است (همان، ۲۴۵).

پیچ یکی از علل تنوع شناختی به‌مثابه مفهومی کلیدی در بحث خرد جمعی را مفهوم تنوع اجتماعی بیان کرده است. او استدلال می‌کند که هویت‌های متفاوت، تجربه‌های متفاوت و آموزش‌های متفاوت باعث می‌شود که ما به‌طور متفاوت فکر کنیم و ابزارهای شناختی متمایز داشته باشیم و تنوع هویت تنها زمانی سودمند خواهد بود که به‌نوعی با تنوع شناختی مرتبط باشد و موجب آن شود (پیچ، ۲۰۰۷: ۳۲۶). با در نظر گرفتن چنین تعریفی از مفهوم تنوع اجتماعی می‌توان آن را در رابطه با بحث شمول اجتماعی بیشتر توضیح داد و از این طریق از این مفاهیم در ارتباط با هم برداشت و درک دقیق‌تری پیدا کرد. مفهوم "تنوع" با اصطلاح "شمول" تکمیل شده است. از آنجا که اصطلاح "تنوع" در درجه اول بیشتر به‌جنبه‌های فردی مربوط می‌شود که باعث متنوع شدن گروهی از افراد می‌شود، اصطلاح "شمول" بیشتر به‌استفاده آگاهانه از این پتانسیل اشاره دارد. به‌دیگر، "شمول" مفهومی مستقل است که پایه و اساس ایده تنوع است و در حالی که ایجاد ترکیبی متنوع از یک گروه اولین قدم است، بحث شمول گام دوم و حتی مهم‌تری است: گامی به‌سمت استفاده آگاهانه از این ترکیب (هانسن و سیرستاد، ۲۰۱۷: ۲۳۱).

اگرچه طیف گسترده‌ای از مطالعات در مورد موضوع تنوع وجود دارد، از نظر پیچ هنگامی که دانشمندان از تنوع صحبت می‌کنند، می‌توانند سه معنا از تنوع را در نظر داشته باشند:

(۱) می‌تواند به‌معنی تفاوت^۱ در برخی ویژگی‌ها باشد. برای مثال می‌توان به‌شکل زیر اشاره کرد:



شکل شماره (۲) تفاوت: تنوع درون یک نوع

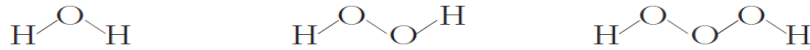
(۲) می‌تواند به‌تنوع انواع، مانند انواع مختلف فروشگاه‌ها در یک بازار یا انواع سکه اشاره کند.



شکل شماره (۳) تفاوت: تنوع انواع سکه

^۱. variation

۳) یا می‌تواند تفاوت در ترکیب بندی^۱ یا ترکیبات^۲ باشد، این معنا از تنوع به این اشاره دارد که انواع مختلف چگونه ترتیب یافته‌اند؛ مانند پیوندهای مختلف بین اتم‌ها و مولکول‌ها (پیچ، ۲۰۱۱: ۱۶).

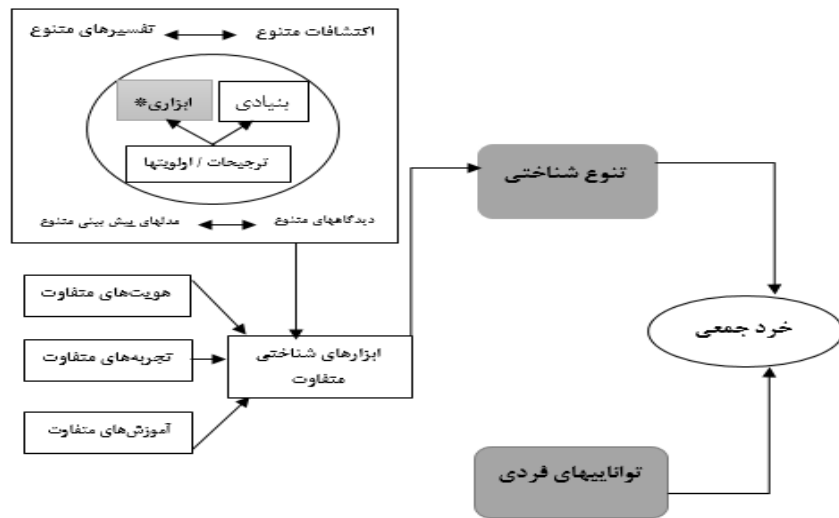


شکل شماره (۴) تنوع در ترکیب بندی

به این ترتیب زمانی که از تنوع صحبت می‌شود، اگر چه باید انواع آن را در نظر گرفت، اما در بحث خرد جمعی، همان‌طور که پیچ و هونگ به‌درستی بیان داشته‌اند منظور از تنوع، تفاوت‌ها و تنوع شناختی است. در این جا لازم است تأکید شود که با توجه به توضیحات ارائه شده از انواع تنوع، شرایط استفاده از آن‌ها و همچنین مدیریت تنوع، زمانی می‌توان در جامعه به‌صورت بالفعل از تنوع شناختی به‌مثابه مفهومی کلیدی در موضوع خرد جمعی استفاده کرد و برآیی آن خرد جمعی را محقق دانست که شمول اجتماعی و به‌ویژه عدم نابرابری‌های اسمی و عام‌گرایی در مقابل خاص‌گرایی به‌صورت آگاهانه درک شده و تفکر مدیریتی جامعه بر مبنای آن باشد و به‌اصطلاح تفکر مشمول مبنای مدیریت ظرفیت‌های گروه/سازمان/اجتماع/جامعه باشد. در غیر این صورت، همان‌طور که چلبی اظهار داشته «اگر نابرابری‌های اجتماعی در جامعه شدید باشد، این خود سبب کمیابی به‌ویژه کمیابی مصنوعی در جامعه می‌شود. وجود محرومیت و کمیابی از هر نوع نیز، می‌تواند هم بر تعداد هنجارهای اجتماعی بیفزاید و هم موجب شود تا هنجارهای اجتماعی به‌نحوی دچار جانب‌داری خاص‌گرایانه از هر نوع مانند: قومی، جنسی، طبقاتی و غیره گردند. شیوع تعداد بی‌شماری از هنجارهای خاص‌گرایانه در جامعه پیچیدهٔ امروزی، می‌تواند پیامدهای ناگواری برای جامعه داشته باشد از جمله: عدم امکان همکاری اجتماعی فراگیر، عدم امکان روابط اجتماعی بین‌گروهی، تعارض و تناقض هنجاری، ابهام هنجاری، فساد اداری، جمع‌گرایی خاص‌گرایانه (قبیله‌ای) توأم با فردگرایی خودخواهانه و رای گروه‌های اولیه و افزایش هزینه‌های نظارت بیرونی در جامعه» (چلبی، ۱۳۹۵: ۸۸).

^۱. configuration

^۲. composition



مدل شماره (۳) عوامل تحقق خرد جمعی - برگرفته از مدل پیچ و هونگ

ذکر این نکته نیز لازم است که در تعریف ارائه شده از پیچ در ارتباط با انواع تنوع تاکید بر تنوع شناختی، از نظر وی، در واقع یک تنوع در ساختار ترکیبی مد نظر بوده که مبتنی بر پیوندها و برهمکنش‌های اجتماعی و بر مبنای آن روابط اجتماعی و آرایش آن‌ها در سیستم اجتماعی باشد. همان‌طور که اشاره شد، پیچ این نکته را با صراحت در دیدگاه خود با تعریف انواع تنوع و با مثال پیوندهای مختلف بین اتم‌ها و مولکول‌ها بیان کرده است. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که اگرچه مطابق با دیدگاه کندورسه و قانون تعداد زیاد، هر چه بر تعداد اعضای جمع یا گروه افزوده شود احتمال این که آن جمع با درصد بالاتری به پیش‌بینی دقیق‌تر و صحیح‌تر نزدیک شوند بیشتر است اما بر طبق دیدگاه پیچ در بحث تنوع آن‌چه از اهمیت بیشتری برخوردار است تنوع شناختی است و این که انواع مختلف چگونه ترتیب یافته‌اند، در نتیجه ساختار ترکیبی آن که مبتنی بر پیوندها و برهمکنش‌های اجتماعی مطلوب در سیستم اجتماعی است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا لندمور به‌درستی اظهار داشته که «پیچ بر تعداد زیادی از افرادی که تنوع شناختی داشته باشند، تأکید ندارد و از آنجا که تنوع شناختی به محض وجود پیش‌بینی بیش از یک نفر می‌تواند وجود داشته باشد، این نتیجه و عملکرد می‌تواند برای یک گروه کوچک مثلاً یک گروه سه نفره نیز کار کند و به‌طور قابل ملاحظه‌ای برای هر شخص اضافه شده به جمع با یک مدل پیش‌بینی متفاوت به‌اندازه کافی می‌تواند تنوع‌شناختی گروه را افزایش دهد» (لندمور، ۲۰۱۲ا: ۹).

بنابراین، نکته مهمی که نباید از آن غفلت کرد و به نظر می‌رسد در این جا باید مورد تأکید قرار بگیرد موضوع اندازه بهینه است. اگرچه قضیه هیأت منصفه کندورسه برای مجامع^۱ بزرگ با این فرض که شرایط قضیه (استقلال، صلاحیت فردی، صداقت) به‌طور تجربی تأیید شده باشند را مطرح کرده است. با این حال خود کندورسه در نوشته‌هایش نشان می‌دهد که کاملاً از خطرات مجالس و مجامع بزرگ آگاه است. او در مقاله خود می‌گوید «گر بدنه‌ای به‌اندازه کافی بزرگ نباشد، لزوماً ضعیف است، زیرا در فرصت‌هایی که به‌چیرگی و شجاعت نیاز است، همه می‌ترسند شخصاً سازش کنند. در مقابل نیز، مساله یک هیأت داوری بزرگ با تعداد بسیار زیاد این است که دارای قدرتی مستقل است که می‌تواند از این قدرت سوءاستفاده کند. بنابراین یک حد وسط وجود دارد که درک آن مهم و گاهی سخت است» (کندورسه، ۱۷۸۸: ۳۶۶ به نقل از لندمور، ۲۰۱۲: ۱۵۷).

بریسکین

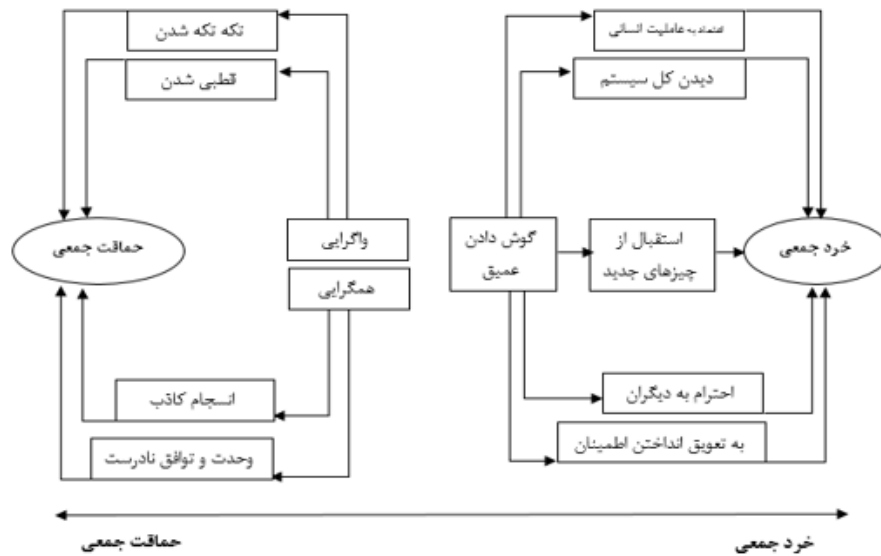
بریسکین (۲۰۰۹) خرد جمعی را دانش و بینش حاصل از تعامل گروه تعریف کرده است. مطابق با آنچه بریسکین و همکارانش اظهار داشته‌اند شش موضع یا اصل به ما کمک می‌کند که برای ظهور و برآیی خرد جمعی آماده شویم و به یک راه جدید برای برقراری رابطه با دیگران و حتی نوع جدیدی از جامعه انسانی که منجر به همکاری نامحدود در گروه‌ها می‌شوند، دست یابیم: گوش دادن عمیق، به‌تعویق انداختن اطمینان، دیدن کل سیستم یا دنبال کردن چشم‌اندازهای مختلف، احترام به‌دیگران/گفت‌وگوهای گروهی توأم با احترام متقابل به‌دیدگاه‌های دیگران، استقبال از چیزهای جدید و در حال ظهور و نهایتاً اعتماد به‌توان ماورایی عاملیت انسانی^۲.

از نظر بریسکین نباید از این نکته غفلت نمود که وقتی انسان‌ها در گروه جمع می‌شوند، مجرایی برای نقطه مقابل خرد یعنی حماقت نیز می‌شوند. وی شناخت دو الگوی بنیادی واگرایی و همگرایی که پتانسیل برآیی حماقت جمعی به‌عنوان نقطه مقابل خرد جمعی را دارند مورد تأکید قرار داده است. حرکت الگوی اول به‌سمت قطبی شدن، جدایی و تکه تکه شدن و الگوی دوم به‌سمت وحدت و انسجام نادرست و کاذب است. در الگوی اول اعضای گروه در برابر ایده‌های سایر اعضای گروه یا سایر گروه‌ها که به‌نظر می‌رسد "از آن‌ها نیستند" مقاومت می‌کنند و به‌جای این که به‌دنبال فهم و ادغام ایده‌های واگرا باشند و برای برقراری روابط و اعتماد عمیق‌تر با افرادی که مخالف هستند اقدام کنند، آن‌ها را "فریب" یا "شر" می‌نامند. در مقابل نیز در الگوی دوم اعضای گروه سکوت و انطباق را انتخاب می‌کنند و ترجیح می‌دهند به‌جای آشکار کردن واگرایی درون گروه توهم انسجام جمعی

^۱. Assemblies

^۲. Trust in the transcendent

را حفظ کنند و به تبع آن، مانع از آن می‌شوند که گروه به داده‌ها و چشم‌اندازهایی بپردازد که می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا درک کامل‌تری از واقعیتی که با آن روبه‌رو هستند، داشته باشند. مانند الگوی اول، این الگو نیز حرکتی است به دور از پیوندهای عمیق خرد و درک گسترده اما در اینجا "ما" با ترس و وحشت از جدایی و تکه‌تکه شدن به شکل توافق نادرست و انسجام کاذب حفظ می‌شود (همان، ۱۱۰).



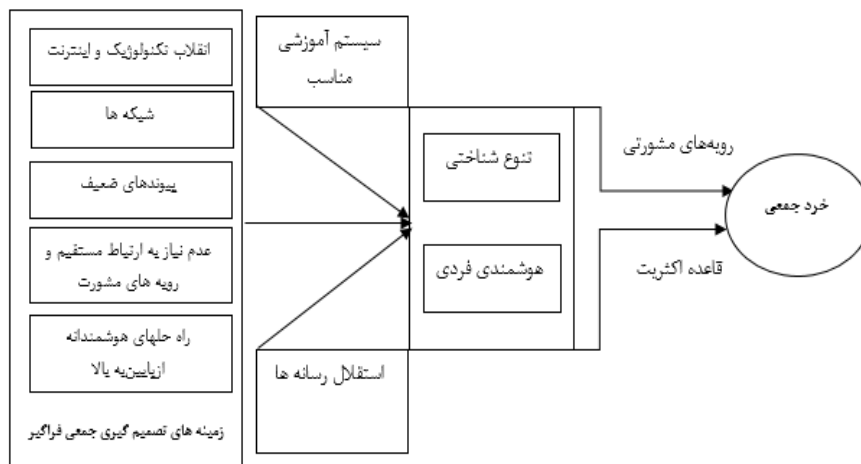
مدل شماره (۴) خرد جمعی - حماقت جمعی در دیدگاه پریسکین

لندمور

از دیدگاه لندمور (۲۰۱۲) عوامل و زمینه‌های لازم در ظهور و برآیی خرد جمعی عبارتند از: شبکه‌ها و پیوندهای ضعیف، ارائه و استفاده از راه‌حل‌های هوشمندانه از پایین به بالا، انقلاب تکنولوژیک و اینترنت. نکته قابل توجه در مورد شبکه‌ها و پیوندهای ضعیف از نظر لندمور این است که این شبکه‌ها ممکن است صراحتاً هر نوع پاسخ جمعی برای هر مسئله خاص فردی یا جمعی را تولید نکنند، اما به صورت غیرمستقیم می‌توانند در شکل‌گیری چنین پاسخ‌هایی نقش داشته باشند. این برهمکنش‌های شبکه‌ای و اطلاعاتی می‌توانند در کاهش جهل حداکثری و رفع برخی باورهای رایج اما نادرست در بین جوامع که فراتر از حلقه سنتی نزدیکی که در همان محله یا همان شهر زندگی می‌کنند، نقش داشته باشند. در حقیقت این شبکه‌ها و پیوندهای ضعیف، تضمین می‌کنند که در شبکه روابط خود نه فقط افراد نزدیکی که دقیقاً مثل ما فکر می‌کنند، بلکه بسیاری از

آشنایان غریبه‌ای که نظرات آن‌ها بسیار متنوع است را نیز داشته باشیم و از طریق این روابط ضعیف است که افراد می‌توانند به‌جای این که محدود به‌خبر و نظرات نزدیکان خود باشند، از بخش‌های دور دست سیستم اجتماعی به‌اطلاعات دسترسی پیدا کنند. بنابراین شبکه‌های اجتماعی و پیوندهای ضعیف زمینه را برای تصمیم‌گیری جمعی با کیفیت بالاتر فراهم می‌سازند (لندمور، ۲۰۱۲: ۴).

لندمور همچنین به مکانیسم‌های دخیل در تحقق خرد جمعی پرداخته که از نظر او، این مکانیسم‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: رویه‌های مشورتی و قاعده اکثریت که نیازی به ارتباط واقعی یا تبادل دیدگاه‌ها در میان شرکت‌کنندگان ندارد مانند بازار اطلاعات و رأی‌گیری. استدلال او این است که مشورت و قاعده اکثریت به‌بهترین وجه در مکانیسم‌های متوالی و مکمل تصمیم‌گیری جمعی دیده می‌شوند و اگرچه هر دو مکانیسم خواص معرفتی دارند اما برای کارهای یکسان مناسب نیستند (لندمور، ۲۰۰۹: ۳).



مدل شماره (۵) شرایط ظهور خرد جمعی از دیدگاه لندمور

از نظر لندمور خرد جمعی مشروط به‌وجود بسترهای اجتماعی و فرهنگی و فاکتورهای کلیدی استقلال رسانه‌ها و همچنین یک سیستم آموزشی مناسب نیز است که از جمله دیگر تفاوت‌ها، تفاوت‌های شناختی را پرورش داده و از وجود آن‌ها محافظت می‌کند. از نظر او دموکراسی‌های لیبرال یا اقتدارگراها که همگرایی دیدگاه‌ها را تقویت می‌کنند و ریسک مخالفت را از بین می‌برند، مشورت و قاعده اکثریت را به‌مکانیسم‌های خطرناکی برای خرد جمعی تبدیل می‌کنند و به‌طور ویژه

خود را از امکان به دست آوردن راه‌حل‌های موثر برای مسائل جمعی، جمع‌آوری اطلاعات دقیق و پیش‌بینی‌های قابل اعتماد محروم می‌سازند (همان، ۲۸۴).

چلبی

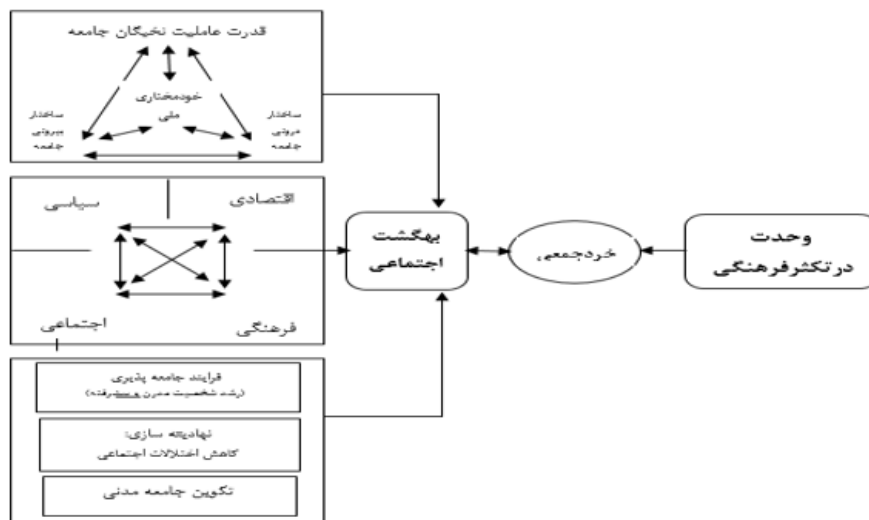
چلبی، به‌گشت اجتماعی و تغییر سازنده را عمدتاً حاصل رهگذر کنش ابزاری و شکل‌های مختلف آن می‌داند که کنش ابزاری و شکل‌های آن همگی خلاقیت را طلب می‌کنند و نکته مهم این‌که خلاقیت و ابتکار، در صورت وجود آزادی عمل و خودمختاری میسر است و خودمختاری تنها از طریق نوعی نظم اجتماعی ممکن به نظر می‌رسد، نظمی که در آن نوعی تعادل از جمله «تعادل احترام متقابل» در روابط اجتماعی آن وجود داشته باشد. وی، با طرح این سوال محوری در جامعه‌شناسی که آیا استقلال فردی و نظم اجتماعی هم‌زمان جمع‌پذیر هستند به طوری که یکی به‌هزینه دیگری تضعیف نشود؟ به‌لحاظ نظری راه حل این مسأله را در کم و کیف نظام شخصیت و نظم اجتماعی و رابطه این دو دانسته و تحقق این مسأله را مشروط به سه فرایند بطنی و کم و کیف آن‌ها در جامعه معاصر می‌داند که عبارتند از: فرایند جامعه‌پذیری (رشد شخصیت مدرن و پیشرفته)، نهادینه سازی (کاهش اختلالات اجتماعی) و تکوین جامعه مدنی.

وی در بحث خودمختاری سازمانی نیز با نقد دو حالت ممکن یعنی استقلال کامل خرده نظام‌های کنش نسبت به یک‌دیگر و نهایتاً ضعیف و محدود ماندن هر چهار خرده نظام اجتماعی و حالت غلبه و تسلط یک خرده نظام بر سایر بخش‌ها که نتیجه آن انسداد یا غلبه فلسفه بافی یا تضعیف وفاق اجتماعی است، حالت تعادل را این‌گونه بیان می‌کند «در این حالت چهار خرده نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ضمن این‌که تا حدودی در یک‌دیگر نفوذ می‌نمایند در عین حال هر بخش دارای مرکز استقلال خود نیز خواهد بود. در اثر نفوذ متقابل کنش اقتصادی و کنش فرهنگی، کنش اقتصادی آماده پذیرایی ملاک‌های فکری خردورزی می‌شود و بالعکس با بسط سوگیری خردورزی اقتصادی به‌حوزه کنش فرهنگی (خرده نظام فرهنگی) کاربرد محاسبه عقلانی در حوزه اخیر تسهیل می‌شود و در ضمن وابستگی ملاک‌های فرهنگی به پیوندهای محولی در حوزه اخیر تسهیل می‌گردد. در اثر نفوذ متقابل حوزه کنش اجتماعی و حوزه کنش فرهنگی، اولی اصول اخلاق را برای دومی فراهم می‌کند و دومی یعنی کنش فرهنگی، کنش اجتماعی را با ملاک‌های خردورزی هنجاری تجهیز می‌نماید. نفوذ کنش فرهنگی در کنش سیاسی نیز بدین معناست که رفتار تصمیم‌گیری توسط ملاک‌های فکری خردمند شکل می‌پذیرد و این ملاک‌ها آن را به‌طرف تعیین هدف عقلانی سوق می‌دهند (چلبی، ۱۳۹۴: ۲۹۳).

در سطح سوم یعنی خودمختاری ملی نیز اذعان دارد که عدم تقارن اتصالات و ارتباطات متقابل کشورها در نظام جهانی بالقوه می‌تواند موجبات افزایش تحدید ساختاری و تشتت ساختاری را در

کشورهای وابسته فراهم ساخته و در شرایطی خاص حرکت و بهگشت اجتماعی آن‌ها را محدود و مشروط سازد. وی در قالب یک الگوی علی مثلثی، میزان خودمختاری ملی کنش‌گران در نظام جهانی را وابسته به سه عامل اصلی می‌داند: قدرت عاملیت نخبگان جامعه در رأس این الگو، ساختار درونی جامعه که متأثر از قدرت عاملیت نخبگان جامعه می‌باشد و نهایتاً ساختار بیرونی جامعه که بالقوه حائز امکاناتی نظیر فرصت‌های فنی، تکنولوژیک، علمی و تجاری است (همان، ۳۱۴).

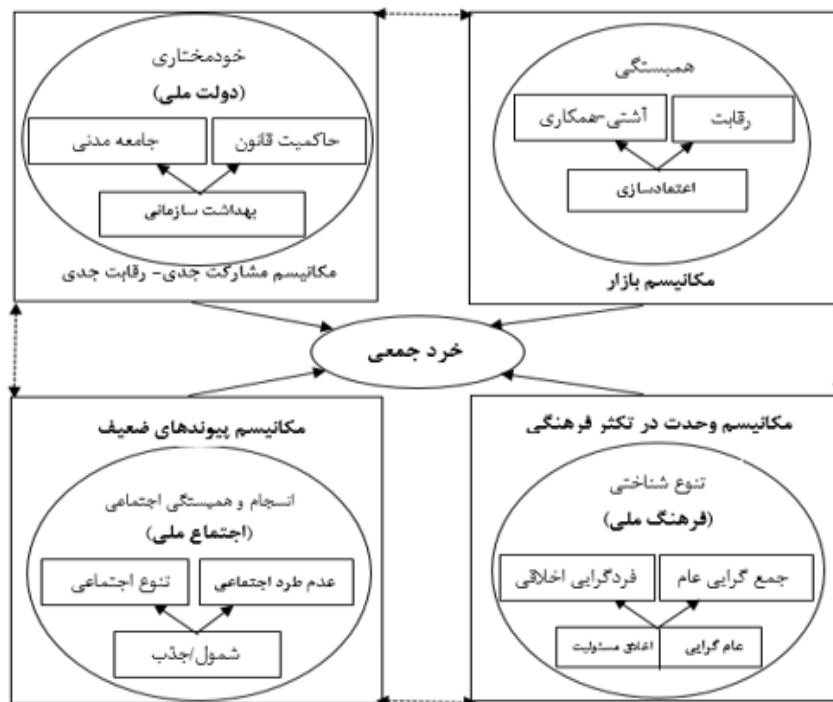
از طرف دیگر، چلبی با نقد و بررسی استراتژی‌های فرهنگی (یک‌رنگی فرهنگی و تکثرگرایی فرهنگی) بر این باور است که استراتژی وحدت در تکثر فرهنگی ضمن تأکید بر روی اشتراکات فرهنگی، امکان تکثیر خرده‌فرهنگ‌های مختلف را در چارچوب نمادی مشترک مجاز می‌داند. هارتمن و گرتیس نیز در این راستا، به‌نوعی در دیدگاه خود با مفهوم تکثرگرایی تعاملی، بر این امر اذعان داشته‌اند. آن‌ها در دیدگاه خود نسبت به تنوع بر این باورند که تکثرگرایی تعاملی به‌وجود گروه‌ها و فرهنگ‌های متمایز و نیاز به پرورش درک مشترک این تفاوت‌ها از طریق شناخت متقابل و تعامل مداوم آن‌ها اشاره دارد (هارتمن و گرتیس، ۲۰۰۵: ۲۳۲). به این ترتیب، با توجه به توضیحات ارائه شده و تلفیق دو دیدگاه بهگشت اجتماعی و استراتژی وحدت در تکثر فرهنگی چلبی می‌توان دیدگاه وی را در ارتباط با موضوع و مساله خرد جمعی، در مدل تلفیقی زیر نمایش داد.



مدل شماره (۶) شرایط ظهور و برآیی خرد جمعی برگرفته از دیدگاه چلبی

الگوی تلفیقی خرد جمعی

در بخش قبل، تئوری‌ها و دیدگاه‌های صاحب‌نظرانی که دیدگاه خود را به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم در مورد خرد جمعی بیان داشته‌اند، بررسی شد. در ادامه به‌دنبال تدوین الگوی تلفیقی خرد جمعی خواهیم بود. بر این اساس، با توجه به‌ویژگی و کارکرد نظریه‌های عام و همچنین با توجه به‌اهمیت بحث سیستم‌های پیچیده در ارتباط با موضوع مورد مطالعه، از «تئوری سیستم‌ها» و «تفکر سیستمی» به‌عنوان بنیان نظری الگوی تحلیلی پیشنهادی استفاده می‌شود. لذا، با تأسی به این تئوری یک الگوی تلفیقی و یک چارچوب ترکیبی و چندوجهی برای تحلیل خرد جمعی ارائه می‌گردد که بتوان از آن در راستای شناسایی عوامل و سازوکارهای علی موثر بر خرد جمعی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی استفاده کرد.



مدل شماره (۷) مدل تحلیلی-تلفیقی پژوهش

قبل از ورود به‌بحث توضیح مدل ارائه شده در ابعاد چهارگانه، به‌نظر می‌رسد ابتدا ذکر چند نکته ضروری باشد:

نکته اول این که، اگرچه محوریت بحث، خرد جمعی و عواملی است که باعث تقویت آن می‌شود، چنانچه تفکر سیستمی داشته باشیم باید/می‌باید متوجه این مطلب باشیم که این عوامل همدیگر را تقویت می‌کنند و با این که جهت علی دوطرفه است، اما توجه و تمرکز ما در این پژوهش، روی یک طرف آن می‌باشد.

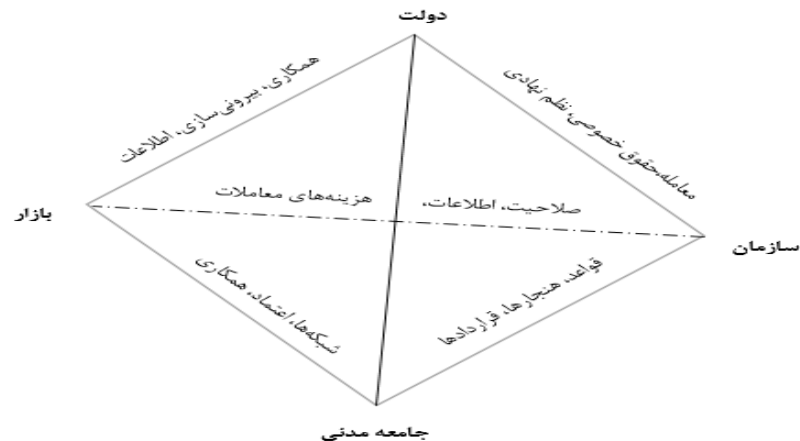
نکته دوم این است که با توجه به این که این عوامل جدا از هم نبوده و با هم در ارتباط متقابل هستند، قطعاً برخی از آن‌ها تا حدودی ممکن است با یکدیگر همپوشانی داشته باشند.

نکته مهم دیگر این است که برای این که خرد جمعی ظهور پیدا کند و در خلال زمان تداوم داشته باشد، لازم است تنوع شناختی که جنس آن از فرهنگ است، در هر کدام از حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، تا حد لازم (با توجه به اهمیت بحث اندازه و ابعاد متفاوت در حوزه‌های مختلف) نفوذ کرده باشد. به بیان دیگر، ظهور خرد جمعی قائم به وجود تنوع شناختی در چهار حوزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است.

و **نکته آخر** این که، علاوه بر تنوع شناختی در چهار حوزه و اجتماع ناب می‌توان در سطح جامعه صحبت از یک اجتماع تلفیقی کرد. چلبی به نقل از پارسونز آن را اجتماع جامعه‌ای یا "اجتماع عام" می‌نامد که در نتیجه نفوذ متقابل چهار نوع اجتماع فوق‌الذکر در سطح کلان می‌تواند به وجود آید و در صورت ظهور در برگرفته تمام اجتماعات در جامعه باشد.

خرد جمعی در ابعاد چهارگانه اجتماعی

خواص و خصوصیات حوزه اقتصادی در تقویت خرد جمعی: جامعه‌شناسان اقتصادی در ابتدا با جریان اصلی اقتصاد پیوند نزدیک داشتند و در مرحله اولیه آن، روی دو فعالیت متمرکز شدند: گسترش تحلیل اقتصادی به‌عرصه‌هایی که اقتصاددانان نادیده گرفته بودند و شناسایی زمینه‌های اجتماعی که کنش اقتصادی را تسهیل یا محدود می‌کنند. لذا بسیاری از جنبه‌های روابط مبادله‌ای در بازارها توسط جامعه‌شناسان بررسی شده است. نظریه‌پردازان شبکه بر نقشی که شبکه‌های اجتماعی در ایجاد اعتماد بین خریداران و فروشندگان که امکان مبادله را فراهم می‌کند، تأکید کرده‌اند. جامعه‌شناسان فرهنگی چگونگی روابط معاملاتی خاص به‌واسطه مفاهیم فرهنگی که در پشت محصولات خریداری شده و فروخته شده ایجاد می‌شود را بررسی کرده‌اند (فلیگشتاین و دنوتر، ۲۰۰۷: ۹). از نظر بویر نیز بازار به‌مثابه یک ساخت اجتماعی است که ظهور و ماندگاری آن به مجموعه‌ای غنی از قوانین، کدها و نهادهای نظارتی پیش‌بینی شده بستگی دارد که علاوه بر دولت و بازار، بسیاری از ترتیبات نهادی می‌توانند نقشی حیاتی در هماهنگی الزامات کارآیی پویا داشته باشند» (بویر، ۲۰۰۶: ۶۷).



شکل شماره (۵) فراتر از تقابل دولت و بازار: "چهارگوشه" اقتصادهای نهادی
منبع: بویور، ۲۰۰۶:۵۶

با در نظر گرفتن نکات اشاره شده و همچنین تئوری‌ها و دیدگاه‌های نظری ارائه شده، خواص بعد اقتصادی جامعه در تقویت خرد جمعی را می‌توان با مکانیسم بازار توضیح داد و فهرست‌وار به این نکته‌ها اشاره کرد:

نکته اول، بعد اقتصادی لازم است از یک مکانیسم بازار برخوردار باشد، به شرطی که بقیه چیزها نیز به‌نحو مطلوب و قابل قبولی کار کنند. همان‌طور که چلبی به‌درستی اظهار داشته «آژانس اقتصادی (اقتصاد ناب) غیرپایدار و غیرقابل تصور است مگر این‌که حداقل تا حدی با سایر ابعاد اجتماعی ترکیب شود» (چلبی، ۱۳۹۴: ۸۹).

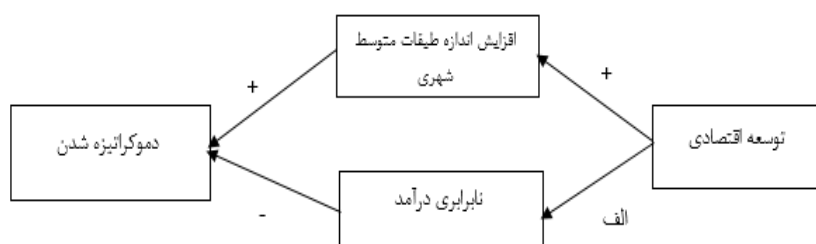
دوم این‌که بعد اقتصادی جهت تقویت خرد جمعی در جامعه باید حائز خواص اعتمادسازی و رقابت توأم با آشتی-همکاری باشد. عجم اوغلو و رابینسون با تأکید بر نهادهای اقتصادی و سیاسی استثماری به‌جای نهادهای اقتصادی و سیاسی فراگیر به‌عنوان ریشه اصلی ناکامی و موفقیت ملت‌ها بر این باورند که اگر مردم برای تأمین منافع شخصی خود به‌همکاری گروهی دست بزنند همبستگی میان آن‌ها تقویت می‌شود و نه تنها منافع مادی آن‌ها که قدرت اجتماعی‌شان نیز افزایش می‌یابد و همکاری‌هایی از این دست موجب شکل‌گیری همان چیزی می‌شود که در دنیای امروز سرمایه اجتماعی نام دارد. اعتماد متقابل شکل می‌گیرد و افراد در قالب گروه‌ها به‌یک‌دیگر می‌پیوندند. این گروه‌ها شبکه‌ای از ارتباطات اجتماعی را به‌وجود می‌آورند که هر قدر مستحکم‌تر و گسترده‌تر باشند جامعه توانمندتر خواهد بود (اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۶: ۲۱).

نکته سوم این که، برای تقویت خرد جمعی، بعد اقتصادی باید جنبه همبستگی داشته باشد که می‌تواند از اجتماع ملی بیاید و این منوط به وجود اجتماع جامعه‌ای، وفاق تعمیم‌یافته و وحدت ملی است. باور زیرین جنبه همبستگی در بعد اقتصادی جهت تقویت خرد جمعی مبتنی بر برابری در فرصت‌ها و بحث شمول اجتماعی است. در این جا نکته بسیار مهمی که باید در نظر گرفته شود و می‌توان آن را به صورت یک قضیه کلی و مرکب مطرح نمود، این است که: با عدم جانبداری طبقاتی و کاهش حداقلی تضادهای توزیعی باید برابری در فرصت‌ها برای اکثریت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی فراهم باشد و توزیع افراد در مواضع مختلف اجتماعی عمدتاً بر اساس کوشش، استعداد و انگیزه‌هایشان باشد نه بر اساس ویژگی‌های محولی مثل سن، جنس، قومیت، نژاد، رنگ، طبقه (توزیع خاص‌گرا). در این صورت با وجود کنش ابزاری و عقل ابزاری و با وجود یک نیروی کار متنوع، به دلیل استفاده از طیف وسیع‌تری از دیدگاه‌ها در بین نیروی کار، می‌توان شاهد پذیرش و آمادگی هرگونه خلاقیت و نوآوری جهت تقویت خرد جمعی در فعالیت‌های حوزه اقتصادی و به دنبال آن اثربخشی، کارایی و افزایش عملکرد سازمانی بود. بار دیگر لازم به یادآوری است که جاری و ساری شدن آثار فوق‌الذکر منوط به تنیدگی اجتماعات شخصی افراد در عرض شبکه اجتماعی است به نحوی که نقاط اتصال تنیدگی‌ها با مکانیسم پیوندهای ضعیف به مثابه پله‌ای ناقل اطلاعات، با گرایش عام‌گرایی و نه خاص‌گرایی عمل کند. در غیر این صورت سوگیری‌های خاص‌گرایانه یا حتی بنا بر استدلال بریسکین (۲۰۱۱) "همبستگی کاذب" منجر به حماقت جمعی در مقابل خرد جمعی خواهد شد.

خواص حوزه سیاسی در تقویت خرد جمعی: خواص بعد سیاسی جامعه در تقویت خرد

جمعی را می‌توان به صورت منظم در چهار بعد آن به ترتیب این گونه ارائه نمود:

در بعد سیاسی ابزاری (Ga) چنانچه مکانیسم رقابت جدی - مشارکت جدی باعث شود روابط بین اجتماعات اقتصادی و سایر گروه‌های ذینفع در جامعه از طرفی و دولت از طرف دیگر برقرار بوده به گونه‌ای که در دولت صدای منافع اکثریت شنیده شود، می‌توان شاهد تقویت خرد جمعی در جامعه بود. از نظر مولر (۱۹۹۵) منطق نظری قابل قبولی وجود دارد که رابطه بین توسعه اقتصادی و دموکراسی را پیچیده‌تر از یک رابطه یکنواخت مثبت مطرح می‌کند. وی استدلال می‌کند که روند توسعه اقتصادی تأثیر مستقیم مثبت و تأثیر غیرمستقیم منفی بر روند دموکراسی دارد. مولر مدل علی این روابط متقابل را به صورت شکل شماره (۶) نشان داده است.



شکل شماره (۶) روابط بین توسعه اقتصادی و دموکراتیزه شدن

منبع: مولر، ۱۹۹۵:۹۶۹

الف: روابط منحنی U معکوس

لذا از آن جایی که نابرابری با ثبات دموکراسی در طول زمان سازگار نیست، در چنین وضعیتی است که مکانیسم مشارکت جدی- رقابت جدی زمینه افزایش مشارکت سیاسی گروه‌های بیشتری از مردم را در تمام طبقات فراهم می‌سازد. مکانیسم مشارکت جدی- رقابت جدی همچنین باعث کاهش تسلط حوزه سیاسی بر سایر حوزه‌های جامعه می‌شود به گونه‌ای که از طرفی حوزه سیاسی بر مبنای منطق درونی خود (اصل تحقق) و هم‌زمان سایر حوزه‌های جامعه نیز بر مبنای منطق درونی خود عمل نمایند و از طرف دیگر چنین روندی گسترش عام‌گرایی و فرصت افزایش کنش‌گران جمعی در سطح جامعه در کنار کاهش تراکم قدرت و پاسخ‌گویی دولت و در نتیجه زمینه تقویت خرد جمعی را فراهم می‌سازد.

بعد سیاسی اداری (Gg) در تقویت خرد جمعی در جامعه، ناظر به روابط بین دولت از طرفی و روابط بین شهروندان، انجمن‌ها و احزاب سیاسی از طرف دیگر است و این امر حاصل نخواهد شد مگر این‌که دو شرط در سطح سازمانی جامعه تحقق یابد: بوروکراسی و بهداشت سازمانی؛ چرا که روابط دولت و بخش‌های دیگر جامعه و به‌طور ویژه بخش خصوصی از طریق تشکل‌ها و نهادهای مدنی می‌تواند از مشروعیت برخوردار بوده و با رساندن صدای شهروندان به‌دولت از تمرکززدایی و فساد کاسته و در مقابل مشارکت جدی مردم در جامعه را عملی سازد.

در بعد سیاسی-اجتماعی (Gi) می‌توان به‌دیدگاه لیست و شرایط لازم در تقویت خرد جمعی در دیدگاه او اشاره کرد. از نظر او ویژگی‌هایی که می‌تواند چالش انسجام را در بحث خرد جمعی پوشش دهد شامل دموکراتیزه شدن، تمرکززدایی و تجزیه (کارها و موضوعات بزرگ به‌اجزاء کوچکتر) است. این ویژگی‌ها به‌نوعی یادآور بحث شمول اجتماعی و تم‌های تنوع اجتماعی و عدم طرد اجتماعی در بعد اجتماعی‌اند که در این‌جا در رابطه با بعد سیاسی- اجتماعی در تقویت خرد جمعی باید هویت جامعه‌ای را از طرفی و روابط انجمنی را از طرف دیگر در مرکز توجه قرار داد. با

توجه به استدلال چلبی از آنجایی که دامنه خردورزی ابزاری با افزایش چگالی وزنی روابط ابزاری در جامعه گسترش می‌یابد و با افزایش خردورزی ابزاری و دامنه نفوذ آن در جامعه، امکان نوآوری، خلاقیت و پذیرش تغییر اجتماعی افزایش می‌یابد، لذا «متناظر با افزایش چگالی وزنی روابط انجمنی (برایند ترکیب روابط ابزاری و روابط اظهاری)، ضمن این که جامعه مدنی تعریض می‌شود، جامعه کل نیز در سطوح مختلف آمادگی بیشتری برای بازسازی و تغییرات منظم در عرصه‌های گوناگون کسب می‌نماید» (چلبی، ۱۳۹۴: ۲۵۲).

در بعد سیاسی-فرهنگی (GL) روابط گفتمانی، مجاب‌سازی و گفت‌وگوهای سیاسی دوجانبه با امکان جذب نیروهای مختلف در جامعه و به‌کارگیری دیدگاه‌های متنوع و پذیرش انتقادات در روابط بین شهروندان از طرفی و دولت و شهروندان از طرف دیگر مطرح می‌باشد. آزادی در سایه حاکمیت قانون نیز که بر عهده نظام سیاسی است و در این بعد بیان می‌شود، می‌تواند شرایط مساعدی را برای تقویت خرد جمعی در جامعه فراهم نماید.

قبلاً گفته شد که ظهور خرد جمعی قائم به وجود تنوع شناختی در چهار حوزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، لذا در این جا باید به‌خاطر داشت برای این که خرد جمعی ظهور پیدا کند و در زمان تداوم داشته باشد، لازم است تنوع شناختی که جنس آن از فرهنگ است، در حوزه سیاسی (و هم‌چنین سایر حوزه‌های اجتماعی جامعه) تا حد لازم نفوذ کرده باشد. در این صورت، فرهنگی سیاسی که در آن خرد و فکر اهمیت قائل می‌شود، در امور سیاسی تفکر خلاق را تشویق نموده و با حاکمیت قانون و عام‌گرایی به‌همراه فردگرایی اخلاقی بر اساس اصل مجاب‌سازی، راه‌حل‌های متفاوت در برخورد با مسائل مختلف را ارزیابی کرده و بر مبنای خرد جمعی برای مسائل و معضلات اجتماعی مناسب‌ترین خط‌مشی را در پیش می‌گیرد.

خواص و خصوصیات حوزه اجتماعی در تقویت خرد جمعی: در بعد اجتماعی جامعه، اگر بنا باشد پاسخی ایجابی برای خواص حوزه اجتماعی در تقویت خرد جمعی به‌صورت تحلیلی ارائه شود به نظر می‌رسد که می‌توان گفت خواص این حوزه در تقویت خرد جمعی جامعه را مکانیسم پیوندهای ضعیف در قالب انسجام و همبستگی اجتماعی (اجتماع ملی، اجتماع جامعه‌ای یا همان اجتماع اجتماعات) به‌همراه تم‌های تنوع اجتماعی، عدم طرد اجتماعی و به تبع آن‌ها جذب/شمول تعیین می‌کنند. این خواص نیز به‌طور هم‌زمان یک‌دیگر را مشروط و از طریق خرد جمعی تقویت می‌کنند. دیت با در نظر گرفتن ارزشهای اساسی آزادی، عدالت، همبستگی و... سه شکل متفاوت انسجام (اقتدارطلبانه، انسجام رقابتی و انسجام مبتنی بر همکاری) را از هم تفکیک نموده است و با انتقاد از دو نوع انسجام اقتدارطلبانه و رقابتی بر این باور است که در انسجام مبتنی بر تعاون و همکاری به‌تأیید وجود دیگران به‌مثابه بخشی از هستی و هویت خودشان، احترام قائل شدن برای تفاوت‌های

دیگران، حمایت از یکدیگر، حرکت به سمت یک آینده مشترک و در نتیجه به چالش کشیدن هم‌دیگر که توأم با افزایش پتانسیل احترام متقابل باشد، توجه می‌شود (دیت، ۲۰۱۲: ۸۶).

به‌علاوه این‌که، چنان‌چه روابط حمایتی و "مبادلات نامتقارن گرم" در عرض گروه‌ها و بین آن‌ها گسترش یابد و این نوع روابط تنها به‌درون گروه‌ها محدود نباشد می‌تواند در ارتباط با سایر حوزه‌ها خرد جمعی را در جامعه تقویت کند و چنین وضعیتی مانع از تراکم قدرت، فساد، احساس نابرابری، تبعیض و ... شده و از ظرفیت متفاوت گروه‌ها در جهت خیر جمعی و حل مسائل احتمالی جامعه استفاده کند. یانگ در کتاب خود با عنوان "دموکراسی و شمول" با تمایز قائل شدن بین گروه‌های اجتماعی فرهنگی و ساختاری بر این باور است که یک فرآیند دموکراتیک نه فقط با ورود رسمی همه افراد، بلکه با دستیابی به روابط اجتماعی که افراد و تجارب، فرصت‌ها و دانش آن‌ها از جامعه را به‌طور متفاوتی موقعیت می‌بخشد، مشمول و فراگیر خواهد بود و یک جامعه دموکراتیک از طریق بحث نه با محدود کردن اختلاف‌ها، بلکه با انتقال تجربیات و دیدگاه‌های افراد به یک‌دیگر، به‌قضاوت سیاسی عینی می‌رسد (یانگ، ۲۰۰۰: ۸۵). بنابراین می‌توان ادعا کرد که چنان‌چه حوزه اجتماعی دارای خاصیت شمول و عدم طرد اجتماعی باشد و روابط اجتماعی در آن بر مبنای روابط توأم با احترام متقابل و تعهد تعمیم‌یافته استوار باشد میزان احساس محرومیت اجتماعی، یاس اجتماعی و انفعال اجتماعی را کاهش و به‌دنبال آن مشارکت جدی-رقابت جدی را افزایش داده و از این طریق بعد اجتماعی در ارتباط با ابعاد دیگر می‌تواند موجبات تقویت خرد جمعی جامعه را فراهم سازد.

در این بعد می‌توان بر دیدگاه بریسکین نیز تاکید گذاشت که به‌درستی انسجام کاذب را یکی از الگوهای حماقت جمعی یعنی نقطه مقابل خرد جمعی تلقی می‌کند. از نظر او خرده نظام اجتماعی حاوی شبکه‌ای از نقش‌های نسبتاً مشخصی است که این شبکه‌ها با کیفیت و ماهیت مغناطیسی خود در سیر تعاملات گفتمانی گرم مردم را برانگیخته و تحریک می‌کنند تا به‌سمت هم جذب و در این روند، گروه‌ها تمایل بیشتری نسبت به تشخیص تفاوت‌های‌شان و احترام به یک‌دیگر از خود نشان می‌دهند.

خواص حوزه فرهنگی در تقویت خرد جمعی: بعد فرهنگی یکی دیگر از ابعاد چهارگانه

الگوی علی خرد جمعی (در مدل شماره ۷) را تشکیل می‌دهد که در این مورد نیز می‌توان پرسید که این بعد باید حائز چه خواص و خصوصیتی باشد که خرد جمعی را در جامعه تقویت کند؟ با در نظر گرفتن دیدگاه‌های نظری که قبلاً مورد بررسی قرار گرفتند و با تأکید بر مدل تلفیقی پژوهش، خواص بعد فرهنگی در تقویت خرد جمعی را در قالب فرهنگ ملی و با تم‌های تنوع‌شناختی، جمع‌گرایی عام، فردگرایی اخلاقی و اخلاق مسئولیت با مکانیسم وحدت در تکرار فرهنگی مطرح نموده و در بیان آن از مفهوم فضای کنش سود جست‌ایم.

La: در بعد فرهنگی-اقتصادی همان‌طور که اقتصاددانان نهادگرا از جمله لاندز بر پیوندهای باورها و ارزش‌های فرهنگی با نتایج اقتصادی تأکید داشته‌اند، عوامل فرهنگی از جمله صرفه‌جویی، سخت‌کوشی، صداقت و مدارا، با عواملی چون بیگانه‌هراسی، تعصبات مذهبی، فساد اداری و قوانین دولتی که مانع از فعالیت کارا می‌شوند، در تضاد است (جویسو و همکاران، ۲۰۰۶: ۹). نکته دیگری که نباید از آن غفلت نمود این است که گشایشی که فرهنگ از طریق آن وارد گفتمان اقتصادی شد، مفهوم اعتماد بود. به‌دنبال دانشمندانی از جمله بانفیلد، پاتنام و فوکویاما، اقتصاددانان نیز شروع به مطالعه مزایای اقتصادی اعتماد کردند. علاوه بر این، فرهنگ در ارتباط با حوزه اقتصادی می‌تواند از طریق سازوکارهایی غیر از اعتماد نیز بر تقویت خرد جمعی در جامعه تأثیر بگذارد. در این راستا جویسو و همکارانش (۲۰۰۶) اظهار داشته‌اند فرهنگ از طریق فرایند اجتماعی شدن، بر ارزش‌های افراد تأثیر می‌گذارد و از این طریق بر ترجیحات اقتصادی تأثیر گذار بوده و با نفوذ و ورود خود به‌حوزه اقتصادی موجبات تحقق و تقویت خرد جمعی در جامعه را فراهم می‌نماید.



نمودار شماره (۱) فضای کنش

چلبی، ۱۳۸۱:۲۵

LG: از آنجایی که در حوزه فرهنگ، رابطه اجتماعی غالب از نوع رابطه گفتمانی است در ارتباط با حوزه سیاسی می‌توان به روابط گفتمانی سیاسی اشاره نمود که بنا بر استدلال چلبی (۱۳۹۴) با قلت میزان چگالی روابط گفتمانی سیاسی و یا فراوانی آن‌ها و یا ضعف در پراکنش کنش‌گران درگیر در این روابط جامعه به‌طور نسبی با اختلال رابطه‌ای مواجه خواهد شد و در نهایت این اختلال در تحقق و تقویت خرد جمعی در جامعه اثر منفی خواهد داشت. بنابراین با الهام از مدل خرد جمعی

مستخرج از دیدگاه چلبی و همچنین مدل تلفیقی پژوهش یادآوری می‌شود که با گسترش چنین روابطی هر نوع دیدگاه متفاوتی به معنای مخالفت و دشمنی تلقی نخواهد شد بلکه با پذیرش تنوع شناختی (که جنس آن از فرهنگ است) و ترکیب با سایر عناصر اجتماعی از جمله تکوین جامعه مدنی، کاهش اختلالات اجتماعی، افزایش عام‌گرایی و ... به‌نحوی موجبات تحقق و تقویت خرد جمعی در جامعه فراهم می‌گردد.

۱.۱: فرهنگ‌شناسان فرهنگ را نیاز اصلی افراد برای ساختن آن‌ها، هویت‌شان، عزت نفس‌شان و درک دنیای اطرافشان می‌دانند. بنابراین مردم به‌روشی قطعی توسط فرهنگشان شکل می‌گیرند (ماهر و مصطفی، ۲۰۱۷: ۸۰۳). در این راستا اکثر نظریه‌پردازان پذیرفته‌اند که عملکرد جامعه نه تنها به عدالت نهادها یا قانون اساسی آن، بلکه به فضایل، هویت و عملکرد شهروندان آن نیز بستگی دارد (کیملیکا و نورمن، ۲۰۰۰: ۱۰). از این جهت، چندفرهنگ‌گرایی مردم را به دیدگاه‌های متنوعی که دانش و پیچیدگی‌های هویت‌های اجتماعی را دربرمی‌گیرد، مجهز می‌سازد. از این طریق فرد به «ترک اسطوره دولت-ملت‌های همگن و تک فرهنگی» و به رسمیت شناختن حفظ حقوق فرهنگی و تشکیل جامعه با پیوند دادن این‌ها با برابری اجتماعی و رفع تبعیض خواهد بود (ماهر و مصطفی، ۲۰۱۷: ۸۰۵). در نهایت چنین روابطی به سایر حوزه‌های کنش اجتماعی نیز سرایت کرده و در نهایت با تحکیم بخشیدن به نظم هنجاری موجبات تقویت خرد جمعی در جامعه فراهم خواهد شد.

۱.۲: آخرین بعدی که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که سازوکار وحدت در تکثر فرهنگی می‌تواند با گسترش روابط گفتمانی اخلاقی و فلسفی به تدریج فضای مفهومی مقولات اخلاقی عدالت، صداقت و میزان تحمل و بردباری افراد جامعه را در پذیرش اندیشه‌های متفاوت، نو و گاهی حتی متناقض در ابعاد مختلف و پذیرش تنوع شناختی افراد جامعه و روابط گفتمانی اخلاقی توأم با احترام متقابل را افزایش داده و با ایجاد تغییر در الگوهای فکری، تغییر در سایر حوزه‌های کنش را نیز فراهم سازد. به این ترتیب با پرورش و تغذیه فکر و اندیشه و تعمیم ارزش‌های اخلاقی و اشاعه آن‌ها در عرض جامعه، خرد جمعی تقویت می‌شود.

خلاصه و نتیجه‌گیری

خرد جمعی به ما کمک می‌کند تا از دوگانگی خود و دیگران فراتر رویم، چرا که یادآور می‌شود ما بخشی از یک چارچوب بزرگتر هستیم که در آن نقش‌هایمان را ایفا می‌کنیم و چنین چارچوبی توان این را دارد که با استخراج دیدگاه‌های مختلف که مبتنی بر استفاده از ظرفیت‌های گسترده مشارکت واقعی، همکاری و به‌طور ویژه تنوع شناختی افراد جامعه است، تقسیم‌بندی‌هایی (تمایز یافتگی در جامعه) که ما را از هم جدا می‌کند، التیام بخشد. «خرد جمعی تغییر سازنده‌ای

است که هم بر آگاهی درونی و هم بر رفتار بیرونی تأثیر می‌گذارد. این تأثیر می‌تواند تا حدودی به- حرکت اجتماعی در جهت یکپارچگی و انسجام، انصاف و عدالت در جامعه خدمت کند» (بریسکین و همکاران، ۲۰۰۹: ۳۲).

در این مقاله با هدف الگویابی خرد جمعی در سطح نظری و مکانیسم‌های برآیی و تقویت آن در جامعه ضمن جرح و تعدیل الگوهای نظری تئوری‌های مختلف، چارچوبی تلفیقی و چند وجهی ارائه شد که هسته اصلی آن متکی بر چگونگی سهم هر کدام از حوزه‌های چهارگانه اجتماعی و به‌طور هم‌زمان چگونگی روابط متقابل آن‌ها در تقویت خرد جمعی است. با توجه به چارچوب نظری بحث شده، قضایای کلی استخراج شده برای تحلیل جامعه‌شناختی خرد جمعی به‌صورت زیر آورده می‌شود که صحت و سقم آن‌ها را می‌توان با محک تجربه بررسی و آزمون کرد:

خرده نظام‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قادرند هر یک به‌نوبه خود سهمی جداگانه در تحقق و تقویت خرد جمعی در جامعه داشته باشند. در عین حال، هر کدام از حوزه‌های چهارگانه اجتماعی در صورت استقلال نسبی، در ارتباط با سایر حوزه‌ها (نفوذ متقابل) می‌توانند خرد جمعی را در جامعه تقویت کنند.

در حوزه اقتصادی چنان‌چه اقتصاد از مکانیسم بازار برخوردار باشد، به‌شرطی که بقیه چیزها نیز به‌نحو مطلوب و قابل قبولی کار کنند و جنبه همبستگی داشته باشد، می‌تواند از اجتماع ملی بیاید و این خود منوط به‌وجود اجتماع جامعه‌ای، وفاق تعمیم‌یافته و وحدت ملی است، همچنین چنان‌چه این بعد حائز خواص اعتمادسازی و رقابت توأم با آشتی-همکاری باشد، تقویت خرد جمعی در جامعه را میسر می‌سازد.

حوزه سیاسی که ناظر بر روابط بین دولت از طرفی و روابط بین شهروندان، از طرف دیگر است با مکانیسم مشارکت جدی- رقابت جدی در قالب دولت ملی می‌تواند با وجود خودمختاری، جامعه مدنی پویا و وجود احزاب و با تأکید بر بهداشت سازمانی موجبات تقویت خرد جمعی در جامعه را فراهم سازد.

در حوزه اجتماعی تقویت خرد جمعی با مکانیسم پیوندهای ضعیف در قالب انسجام و همبستگی اجتماعی (اجتماع ملی، اجتماع جامعه‌ای یا همان اجتماع اجتماعات) به‌همراه تم‌های تنوع اجتماعی، عدم طرد اجتماعی و به‌تبع آن‌ها جذب/شمول تعیین می‌شود. لازم به یادآوری است همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد جاری شدن این آثار منوط به‌تنیدگی اجتماعات شخصی افراد در عرض شبکه اجتماعی است به‌نحوی که نقاط اتصال تنیدگی‌ها با مکانیسم پیوندهای ضعیف به‌مثابه پل‌های ناقل اطلاعات، با گرایش عام‌گرایی عمل کند. در غیر این‌صورت سوگیری‌های خاص‌گرایانه با امکان

جایگزینی روابط به‌جای ضوابط و بالاتر از همه فراهم شدن ضعف انسجام ملی و یا بنا بر استدلال بریسکین (۲۰۱۱) "همبستگی کاذب" منجر به حماقت جمعی در مقابل خرد جمعی خواهد شد. در حوزه فرهنگی نیز، مکانیسم و سازوکار وحدت در تکثر فرهنگی در قالب فرهنگ ملی می‌تواند با گسترش روابط گفتمانی اخلاقی توأم با احترام متقابل، به تدریج فضای مفهومی مقولات اخلاقی صداقت و میزان تحمل و بردباری افراد جامعه را در پذیرش اندیشه‌های متفاوت و تنوع شناختی در ابعاد مختلف را افزایش داده و با وجود جمع‌گرایی عام، فردگرایی اخلاقی و اخلاق مسئولیت، هم‌زمان با فراهم ساختن تغییر در سایر حوزه‌های کنش موجبات تقویت خرد جمعی را در جامعه فراهم سازد.

منابع

- اوغلو، دارون عجم و رایینسون، جیمز. ای (۱۳۹۶)، *چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟ ریشه‌های قدرت، ثروت و فقر*، ترجمه محسن میردامادی و محمد حسین نعیمی پور، انتشارات روزنه، چاپ هفتم.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۴)، *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی، چاپ هفتم.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۵)، *تحلیل نظری و تطبیقی در جامعه‌شناسی*، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱)، فضای کنش: ابزاری تنظیمی در نظریه‌سازی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، شماره ۱، ص ۵-۴۶.
- Briskin, Alan, Erickson, Sheryl, Ott, Callanan, Tom (2009), *The Power of Collective Wisdom*, Berrett-Koehler Publishers, Inc.
- Boyer, Robert (2006), *Half a century of development theories: An institutionalist survey*, pp. 29-73. In: Stathakis, Yiorgos & Vaggi, Gianni "Economic Development and Social Change: Historical roots and modern perspectives" Published by Routledge.
- Dieth, Eric (2011), *Integration by Cooperation: A Constructivist Social Theory and a Theory of the State and the Law*, Springer Wien New York.
- Gan, Yongcheng & Zhu, Zhiting (2007), *A Learning Framework for Knowledge Building and Collective Wisdom Advancement in Virtual Learning Communities*, Educational Technology & Society, 10 (1), 206-226.
- Guiso, Luigi, Paola Sapienza, and Luigi Zingales. (2006), *Does Culture Affect Economic Outcomes?* Journal of Economic Perspectives 20 (Spring): 23-48.
- Hartmann, Douglas & Gerteis, Joseph (2005), *Dealing with diversity: Mapping multiculturalism in sociological terms*, Sociological Theory, vol 23, Issue 2, p: 218-240.

- Hansen, Katrin & Seierstad, Cathrine (2017), *Corporate Social Responsibility and Diversity Management Theoretical Approaches and Best Practice*, Springer International Publishing Switzerland.
- Kymlicka, W. and W. Norman (2000), *Citizenship in Diverse Societies*, Oxford University Press.
- Landemore, H'el'ene, (2013), *Democratic reason: politics, collective intelligence, and the rule of the many*". Pinceton University Press.
- Landemore, H'el'ene, (2012), *Collective wisdom: principles and mechanisms*, Cambridge University Press.
- Landemore, H'el'ene (2012a), *Why the Many Are Smarter than the Few and Why It Matters*, Journal of Public Deliberation, Volume 8, Issue 1, p:4-16.
- Landemore, H'el'ene, (2009), *Majority Rule and the Wisdom of Crowds: the Task Specificity of Majority Rule as a Predictive Tool*, Prepared for Presentation at the Conference "Majority Decisions," Collège de France, Paris, May 13-14.
- List, Christian (2008), *Collective Wisdom: Lessons from the Theory of Judgment Aggregation*, Presented at the Colloquium on Collective Wisdom, Collège de France.
- Mazzucato, Mariana (2014), *The Entrepreneurial State: Debunking Public vs. Private Sector Myths*, Anthem Press.
- Muller, Edward N. (1995), *Economic Determinants of Democracy*, American Sociological Review, Vol. 60, No. 6 (Dec., 1995), pp. 966-982.
- Maher Ibrahim Moawad, Nadia & Mostafa El Shoura, Sherine (2017), *Toward A Richer Definition OF Multiculturalism*, International journal of advanced research, 5(7), 802-806.
- Page, Scott E. (2007), *The difference: how the power of diversity creates better groups, firms, schools and Societies?* Published by Princeton University Press.
- Page, Scott E. (2011), *Diversity and Complexity*, Princeton University Press.
- Rooney, David., & McKenna, B. (2007), *Wisdom in Organizations: Whence and Whither*, Social Epistemology, 21(2), 113-138.
- Surowiecki, James (2004), *The wisdom of crowds: Why the Many are Smarter than the Few*, New York Anchor Books Inc.
- Vermeule, Adrian (2011), *Collective Wisdom and Institutional Design*, pp 338-367 in "Collective wisdom: principles and mechanisms". Cambridge University Press.
- Young, Iris. Marion (2000), *Inclusion and Democracy*, Oxford: University Press.